

كودكان عقب افتاده!

كودكى كه از نظر بدنى ويا روحى يا اجتماعى عقب افتاده است ، بايد از مراقبت و تربيت ويژه اى كه متناسب با وضع خاص اوست ، برخوردار شود .

(اصل پنجم اعلاميه حقوق كودك)

كودكان ناقص و عقب افتاده معلول نظام فاسد اجتماعى ماست نه

معلول نقص دستگاه آفرينش

مسائل بى تفاوت و بيطرف باشد . از طرف ديگر ، انسان به حيات و كمال خویش علاقه مند است و مى خواهد بداند چرا خود يا يكى از افراد هموعش دچار نقص جسمى يا روحى مى شوند و آيا براى نجات آنها يا جلوگیری از اين گونه حوادث ، رهي هست يا نه ؟

اين نخستين سؤالى است كه مطرح مى شود . اما سؤال ديگر اين است كه اگر انساني دچار نقص و

در نظام خلقت و كارگاه عظيم آفرينش ، گاه در ميان نباتات يا حيوانات يا انسان ، موجودى پديد مى آيد كه نسبت به افراد هموع خود دچار نقص و عقب افتادگى است .

اين نقص و عقب افتادگى معلول هر چه باشد ، در خود توجه است . زيرا انسان از يك طرف موجودى است كه نسبت به گياهان و حيوانات ، بطور مستقيم يا غير مستقيم ، ذى نفع است و نمى تواند در قبال اينگونه

عوامل تأثیر کند و مسیر حوادث را بفتح یا زیان خود دگرگون سازد .

در همین کارخانه عظیم است که درختان و گیاهان، درست در موقع خود می رویند و می شکند و گل میدهند و میوه و دانه برمی آورند .

جانوران هر کدام بموقع خود جفتگیری میکنند، بارور می شوند، تخم گذاری می کنند یا نوزاد خود را بدنیامی آورند . آنگاه با استفاده از همه مواهب طبیعت ، به بهترین وجه فرزند خود را به سرحد رشد و کمال ممکن، می رسانند .

برای انسان نیز کلیه امکانات موجود است که با استفاده از تمام امکانات طبیعی ، بهترین زندگی را برای خود فراهم گرداند و به عالیترین رشد و کمال متناسب به وضع خاص و استثنائی خود نائل گردد . ولی آیا چه می شود که گاه انسانهایی - که مثل همه هموعان خویش محصول و فرآورده همین کارگاه عظیم و متعادل و منظم هستند - بطور ناقص دیده بروی جهان می گشایند و اگر در همان روزهای اول تولد، زندگی را بدرود نگویند ، باید عمری را - که غالباً هم کوتاه تر از عمرهای دیگران است - بنا کامی و حسرت بگذرانند و همواره چشم به انتظار کمک و ترحم انسانهای دیگر باشند ؟ !

این وضع خاص و استثنائی ، معلول چه عاملی است ؟ یا توجه به آنچه گذشت ، نظام عالم در یک سلسله دقیق علی و معلولی ، باراده حکیمانه حق ، جریان دارد و هر پدیده و حادثه ای بهر شکلی که پیدا شود، معلول و نتیجه علل و عوامل خویش است و بقول بزرگان: تخلف معلول از علت، محال و ممتنع است .

عقب افتادگی جسمی یا روحی یا اجتماعی گردید، از لحاظ تربیت و مراقبت ، در قبسال او وظیفه و مسؤولیتی داریم یا نداریم ؟

کوشش ما این است که به هر دو سؤال پاسخ دهیم .

آفرینش جهان در کاملترین نظم ممکن:

کارخانه عظیم خلقت، با تمام مواد و عناصری که در آن به کار رفته، آنچنان کامل و منظم است که محال است کسی بتواند در کار آن نقص یا قصوری یابد . در این کارخانه بزرگ و وسیع و دقیق، هر چیز به اندازه، آفریده شده و بسا سایر مخلوقات و موجودات ، هماهنگ است . در حقیقت ، تمام اجزای عالم ، مکمل یکدیگرند و یک هدف را دنبال می کنند . از نظر موقعیت زمانی و مکانی، آنچنان در جای حقیقی و اصلی خود استوارند که باندازه یک ثانیه هم محال است جلو یا عقب بیفتند یا به اندازه یک میکرون از جایگاه خود دور یا منحرف گردند .

قانون دقیق علت (Determinism = جبر علمی) آنچنان با استحکام و قاطعیت ، بر کاینات حکومت می کند که دانش بشری با همه محدودیت و نارسائی خود توانسته است در مواردی شماری به راز آن پی ببرد و قدرت و سیطره آن را باز شناسد . جهان ما جهانی است عظیم بر اساس محاسباتی دقیق و حکیمانه و قوانینی استوار و نظمی حیرت انگیز !

انسان نه تنها قادر است این رموز حیرت انگیز و روابط دقیق حوادث و وقایع را که محکوم قانون علت است دریابد ، بلکه حتی قدرتی به او عطا شده است که می تواند در بسیاری از موارد ، در علل و

این مطلب کاملاً صحیح است که پیدایش و جنبش هر موجود زنده‌ای به اراده آفریدگار بزرگ جهان است، ولی بواسطه همان رابطه علی و معلولی کائنات است که نقص و نادرست بودن بعضی از عوامل در وضع موجود اثر می‌گذارد و او را دچار نقص و کمبود می‌سازد. در آنجا که پاره‌ای از شرائط و عوامل به اختیار و خواست و خواهش انسان ارتباط پیدا میکند، مسؤول نقص و عقب افتادگی موجودی که معلول همین عوامل است؛ **چرا انسان نمیتواند باشد!** بنابراین بسیاری انصافی است که در چنین مواردی خداوند بزرگ را مسؤول نقص و بدبختی یک انسان معرفی کنیم و احیاناً سؤال کنیم چرا یکی را کامل و سالم و مستعد می‌آفریند و دیگری را ناقص و علیل و رنجور و ناتوان؟! این درست، به معنای شانه اذیر بار مسؤولیت نهی کردن و زحمت تشخیص و تحقیق را اذدوش خود برداشتن است.

اصولاً رویه زندگی بر این نیست. خالق یکتا دست انسان را باز گذاشته است که مسیر جریانات و حوادث طبیعت را بسود یا زیان خود تغییر دهد. امروز بشر در کشاورزی موفق شده است که با استفاده از روش‌های علمی، بهترین و فراوان‌ترین محصول را بدست آورد.

«برتر اندر اسل» می‌گوید: «در ازمینه قدیم، دو میل مربع زمین، آنهم زمینی که بقدر کافی بالطبع حاصل-خیز باشد، برای کفاف آذوقه سالانه یکی از افراد انسان لازم بوده است. امروز در انگلستان یک میل

مربع، معاش ۷۵۰ نفر را فراهم میکند! یعنی هزار و پانصد برابر اوقاتی که هنوز استعداد بشری موفق به اختراعات نشده بود. این کیفیت، البته بیشتر مربوط به صنعت است» (۱)

در مورد حیوانات نیز موفق شاه است که با اصلاح محیط زیست و بهبود بخشیدن نوع تغذیه و پیشرفت دامپزشکی، بهترین و چشمگیرترین استفاده را برگیرد.

زندگی خود انسان نیز با گذشته فرق بسیار کرده است. بیماری‌های از قبیل آبله و سرخک و دیفتری و سایر امراض اپیدمیک که زندگی را دشوار کرده بود و بسیاری از افراد را ناکام از دنیایم برد یا به نقص عضوی دچار می‌کرد، بوسیله دانش مهار و جلوگیری شده است. امروز کمتر بیماری است که از راه دانش پزشکی راه تشخیص آن و وسیله علاج و پیشگیری آن شناخته نشده باشد. امراضی که موجب کوتاهی عمر و نقص کار جسم و تنه‌ای و بی حاصلی زندگی می‌شدند، یکی پس از دیگری در برابر نیروی عظیم انسانی شکست خوردند و از میدان خارج گردیدند. بهمین دلیل است که عمر متوسط بشر امروز، مخصوصاً در کشورهای پیشرفته، تقریباً تا دو برابر افزایش یافته است!

اینها همه از برکت قدرت و استعدادی است که خالق بزرگ هستی به انسان عطا فرموده است تا بتواند با توسعه دانش و پیشرفت خود مسیر حوادث جهان را به نفع خود تغییر دهد و بهره‌های فراوان برگیرد.

علی بن ایطالب (ع) فراهم آمدن هر مال و مکتب کلان و سرشاری را نتیجه تزییح حقی می شمارد و گرسنگی و ناتوانی هر مستمندی را نتیجه سیری و شکم بارگی انسانهای زورمند و متجاوز می شمارد و آرزو میکند که عفريت فقر در اشکال و هیکل يك انسان - از همان انسانهای نابکار - مشاهده کند تا خون کثيفش را بریزد و بچیات شومش خاتمه دهد. (۱)

و. ب. فدرستون استاد دانشگاه کلمبیا می نویسد: «این نکته امروز روشن شده است که اکثریت دیر آموزان متعلق به خانواده هایی هستند که از لحاظ اجتماعی و اقتصادی عقب تر از طبقات دیگر اجتماعی هستند. گذشته از این در خانواده های فقیر و تنگدست قدرت پدر و مادر در تأمین نیازمندیهای اساسی کودکان از لحاظ خواربار = و لباس و خانه و بهداشت و مراقبت دندانها و تفریحات و سرگرمی های خارج از آموزشگاه، غالباً کمتر از خانواده های دیگر است. زیرا هم از لحاظ مالی در مضیقه هستند و هم از نیازمندیهای حقیقی کودکان آگاهی کامل ندارند. در عین حال غالباً محیط این خانه ها از لحاظ اجتماعی و روان شناسی طوری نیست که مساعد برای تأمین سلامت جسمانی و ذهنی و عاطفه ای کودک باشد. ناهماهنگی و کشمکش های خانوادگی و فساد اخلاق و خودپرستی پدران و مادران از عوامل اساسی زندگی خانوادگی دیر آموزان بشمار می رود. در این خانه ها علم توجه به آموزش و

با اینکه اصل مسأله مرك و میرازستهای غیر قابل تغییر این جهان است، ولی از آنجا که برای میزان عمر حسی و مرزی تعیین نشده است، بشر می تواند عمر موجود زنده را بمقدار بسیار زیادی افزایش دهد. دکتر آلکسیس کارل فرانسوی توانست قلب يك جوجه را در خارج از بدن بمدت ۳۵ سال نگاهداری کند و بواسطه این شاهکار بزرگ، گیرنده جایزه نوبل گردد! اینها همه با استفاده از تکنیک های علمی ممکن است و بس!

بخوبی می توان پی برد که عقب افتادگی جسمی یا روحی یا اجتماعی يك انسان، معلول علل و عواملی است مربوط به محیط زندگی و وضع جسمی و روحی والدین و اجداد. نباید بدون توجه به این جنبه ها بیدرنگ پرسید: چرا خالق بزرگ جهان یکی را آنچنان آفریده که بصدن از نعمت، غوطه ور باشد و دیگری را ناقص و ابله و کل بر دیگران و انگل؟! او خود می فرماید: «لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم» (سوره التین آیه ۴) ما انسانها را در بهترین قوام و عالیترین وضع آفریده ایم و به کسی چیزی کم نداده ایم.

اگر نقص جسمی و روحی و اجتماعی معلول کمبود مواد و عناصر و ویتامین هاست، اینها نتیجه فقر اقتصادی و علل و عوامل فردی و اجتماعی است که بشر می تواند با جدیت تمام با آنها بمبارزه بر خیزد و آنها را از بیخ و بن براندازد.

۱ - ما رایت نعمة موفورة الاولی جانبها حق مضیع - ماجاع فقیر الالبما متع به غنی - لوت مثل

لی الفقر رجلا لقتلته (الامام علی صوت العدالة الانسانية جلد ۱ ص ۱۱۷ و ص ۱۹۶)

اذا اثرات شوم آن برکنار نمی باشند .

چیزی که هست بسیاری از این علل را شناخته و بسیاری از آنها راهنوز شناخته ایم .

* * *

يك نكته دیگر راهم نباید فراموش کرد و آن عبارت است از تأثیرات مسلم عوامل معنوی که حتی گاه از عوامل مادی هم نیرومندتر و قوی تر هستند ؛ عیب بزرگ کاربرد متمدن امروز این است که فقط به علل مادی می اندیشد و در این راه هم بموفقیت های بسیار عظیم و درخشانی نائل آمده است .

لکن اگر بعلم و عوامل معنوی هم توجه می کرد ؛ از این راه نیز در راه پیشگیری و معالجه بسیاری از نقص ها و بیماریها بموفقیت هایی عظیم تر و درخشان تر نائل می آمد؛ تنها همان دکتر آلکسیس کارل فرانسوی یکی از عوامل معنوی یعنی دعا و نیایش توجه کرد و در کتاب نیایش و رساله کوچکی بنام « **تأملات من در راه زیارت لورد** » فواید عظیم آنرا مورد بررسی قرار داده است. بنظر او « روم باشکوه و متمدن و قدیم را دوری مردمش از دعا و نیایش و متروک ماندن سنت دیرین بشری در پرستیدن ؛ روه ضعف و ذلت برد» اوبه این نکته پی برده است که چنانچه کاران بشری کسانی هستند که هیچ نیایش نمیکنند یا بسیار کم و جاهلانه؛ مؤسسه لورد که هر ساله آمار شفا یافتگان بوسیله دعا را منتشر می کند ؛ ارقام بزرگی را نشان میدهد، اما بقول کارل در سالهای اخیر؛ برکت و خیر از دعای مؤسسه لورد هم رفته است ازیرا اثران بیشتر سیاح شده اند و کمتر بفکر يك نیایش عمیق و پر شور هستند !

پرورش کودک ، اذیت و آزار و حتی شکنجه دادن کودک امری عادی است . . . مسلم است که کودک بیماریاگرسته یا برهنه نمیتواند باشو و حرارت لازم به فعالیت های لازم در آموزشگاه پردازد . . . دختر یا پسری که در خانه پیوسته ناظر اختلاف والدین خود باشد و با آنکه دائماً از ترس پدر و مادرش بلرزد و با همیشه از حس حقارت و عدم توجه پدر و مادر در رنج باشد؛ بهیچ روی از لحاظ روحیه نمیتواند با سایر کودکان هماهنگی کند» (۱)

اگر نقص ها جنبه اثری و مادرزادی داشته باشد، مسؤولیت متوجه والدین و نیاکانی است که مواظب سلامت خود نبوده و کارهایی کرده اند که بخود و نسل خود زیان رسانیده اند. در صورتیکه اگر رعایت وظایف خویش میکردند ، چنین عاقبت شومی برای فرزندان خود بیار نمی آوردند .

مگر نه این است که پدران و مادران الکلی و معتاد به مخدرات ، فرزندان کم استعداد و زبون و بیچاره تحویل اجتماع میدهند و اگر لب به مشروب نمی زدند و در برابر هوی و هوس و شهوت بزانو در نمی آمدند ؛ منشأ تولید انسانی ناقص و بدبخت نمی شدند ؟ !

آیا بازمه باید گله نقص و نارسائی ایشان را از خالق بزرگ کرد یا از والدین ؟ !

نباید فراموش کرد که کلیه افراطها و تفریطهایی که در زندگی از لحاظ کار و خواب و خوراک و سایر جنبهها پیش می آید؛ بر جسم و اعصاب اثر می گذارند و چون فرزندان نیز ثمره وجود پدران و مادران هستند